

## پیامدهای توافق هسته‌ای بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران

سانحی کومار پانندی<sup>۱</sup> / قدرت‌الله بهبودی‌نژاد<sup>۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. آقای سانحی کومار پانندی رئیس دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی  
sky.komar@gmail.com

۲. قدرت‌الله بهبودی‌نژاد دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی  
mohsen.behboodi555@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۵

## چکیده

توافق هسته‌ای بین ایران و شش قدرت برتر جهانی این قابلیت را دارد که تأثیرهای عمیقی بر چشم‌انداز تحولات در خاورمیانه بگذارد. ایران با دولت‌های عربی خلیج فارس به‌ویژه عربستان در رقابت تنگاتنگی در سراسر منطقه خاورمیانه است. هرچند کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه با احتیاط از این توافق استقبال کردند، اما با این حال همچنان نگران نفوذ بیشتر ایران در عرصه منطقه‌ای هستند. در جهان غرب این امید وجود دارد که این توافق بتواند به روابط دیپلماتیک سیاسی و اقتصادی منجر شود؛ اما در عین حال پتانسیل بالقوه‌ای برای تشدید رقابت در میان بازیگران مختلف در خاورمیانه وجود دارد. اکنون پرسش این است که در پی این توافق، منطقه خاورمیانه و تحولات آن به چه سمتی خواهد رفت؟ و برجام تا چه اندازه در آینده مناسبات ایران با منطقه نقش خواهد داشت و نسبت آن با دیگر عوامل چگونه است؟ هدف این پژوهش بررسی تأثیر توافق هسته‌ای با تمرکز بر سیاست خارجی ایران در قبال رویدادهای خاورمیانه است. فرضیه مقاله این است که توافق هسته‌ای می‌تواند باعث تغییر و تحول در سیاست داخلی و خارجی ایران برای همکاری و مصالحه بیشتر در منطقه خاورمیانه شود.

### ▪ واژگان کلیدی:

عربستان، توافق هسته‌ای، تحولات بین‌المللی، رقابت منطقه‌ای، سیاست خارجی، مخالفان برجام

## مقدمه

اجرای شدن توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، جایگاه ایران را در معادلات منطقه‌ای متحول ساخته و جلوگیری از حرکت ایران به سمت تسلیحات هسته‌ای به نوعی میزان تنش و رقابت در منطقه خاورمیانه را کاهش داده است. با لغو تحریم‌های هسته‌ای ایران، جمهوری اسلامی ایران به منابع مالی قابل توجهی دست می‌یابد؛ مسئله‌ای که هرچند وزن ایران در تعیین و اثرگذاری بر معادلات سیاسی منطقه خاورمیانه را افزایش می‌دهد، ولی باعث نگرانی برخی از کشورهای عرب منطقه شده است. گرچه نظر همه کشورهای عربی درباره پسابرجام یکسان نیست، اما دست‌کم از دید عربستان سعودی و متحدان منطقه‌ای این کشور، با اجرای این توافق، ایران برای بسط و گسترش نفوذ خود در عراق، حمایت از حکومت بشار اسد در سوریه و حزب‌الله لبنان و یمن، دست بازتری در مسائل خاورمیانه خواهد داشت. در این میان ترکیه نیز که در ظاهر درباره اجرای برجام ابراز خرسندی کرده است، جدای از منافع اقتصادی ناشی از لغو تحریم‌های هسته‌ای ایران، در ابعاد سیاسی، تقویت جایگاه ایران در منطقه را به زیان خود می‌بیند. از منظری دیگر با اجرای شدن برنامه توافق جامع مشترک یا برجام، ایران‌هراسی در منطقه تضعیف شده و قدرت دیپلماسی ایران که دیگر بر پرونده هسته‌ای تمرکز ندارد، افزایش می‌یابد. در پی بروز چنین شرایطی، ایران می‌تواند به حل بحران در سوریه و یمن کمک کند و تأثیرهای مثبتی بر بحران منطقه بر جای بگذارد. اکنون پرسش این است که در پی این توافق، منطقه خاورمیانه و تحولات آن به چه سمتی خواهد رفت؟ و اینکه پس از اجرای توافق هسته‌ای، سیاست منطقه‌ای ایران چه تغییری خواهد کرد؟ و آیا نگرانی برخی از کشورهای منطقه بجا است؟ اما فرضیه‌ای که در این نوشتار پس از تجزیه و تحلیل همه‌جانبه موضوع بر آن تأکید می‌شود این است که توافق هسته‌ای، هم‌زمان موجب تقویت جایگاه اقتصادی و ژئوپلیتیک ایران در منطقه می‌شود. از لحاظ اقتصادی، بازگشت یا نزدیک شدن ایران به سهم طبیعی صدور نفت در اوپک، موجب تقویت روابط اقتصادی و به‌دنبال

آن، روابط سیاسی ایران با اروپا، هند، چین و ترکیه خواهد شد که واردکنندگان سنتی انرژی از ایران هستند. همزمان، رفع تحریم‌های اقتصادی و شبکه‌های انتقال مالی بین‌المللی باعث جذب و هدایت سرمایه‌گذاری‌های خارجی به سوی ایران می‌شود و این امر موجب رونق اقتصادی و در مرحله بعد، ادغام اقتصاد ایران در منطقه می‌شود که این خود ثبات‌آور است. هدف این مقاله تحلیل تأثیرات توافق هسته‌ای ایران با غرب، بر رویکردهای سیاست خارجی ایران در قبال تحولات منطقه خاورمیانه است.

### ۱. چارچوب نظری

گستره‌ای که با عنوان «خاورمیانه» شناخته می‌شود، در حقیقت، آمیخته‌ای از چند محیط مختلف، مانند «خلیج فارس»، «شامات»، «مغرب» و... است که هر یک «منطقه»‌ای جداگانه براساس همگونی پدیده‌های محیطی و با وزن ژئوپلیتیک خاص خود محسوب می‌شود. در تعاریف مربوط به مفهوم قدرت در ژئوپلیتیک عبارت «وزن ژئوپلیتیک» به کار می‌رود که مربوط به شناسایی مجموعه‌ای از استعدادها، جمعیتی، سرزمینی، اقتصادی، نظامی، اقتدار حکومتی، توان دیپلماتیک و قدرت اعمال نفوذ در خارج از مرزها است. به عبارت دیگر، یک واحد کشوری در ژئوپلیتیک هنگامی «قدرت» محسوب می‌شود که بتواند با استفاده از آنچه وزن ژئوپلیتیک شناخته می‌شود، اراده سیاسی خود را در گستره‌های قابل توجهی در ماورای مرزهای خود اعمال کند. طبق این تعاریف، قدرت‌ها در عرصه مطالعات ژئوپلیتیک براساس گستره جغرافیایی قدرت، و میزان کارایی اعمال نفوذ در منطقه یا جهان به صورت قدرت‌های درجه یکم و درجه دوم و... در منطقه و یا جهان دسته‌بندی می‌شوند. از دیرباز در مطالعات ژئوپلیتیک قرن بیستم در منطقه‌ای که به اصطلاح خاورمیانه خوانده شده و شامل کشورهای آسیای باختری و شمال آفریقا می‌شود، چهار قدرت درجه یکم منطقه‌ای قابل تشخیص هستند که عبارتند از: ایران، ترکیه، مصر و رژیم صهیونیستی که در مقایسه با سطح جهانی، قدرت‌های درجه دوم به‌شمار می‌آیند. قدرت مصری، در نتیجه تحولات ژرف داخلی در سال‌ها اخیر تا حدودی رو به افول نهاده است، در حالی که عربستان سعودی که به‌طور عمده به دلیل نداشتن پایه دولت - ملت طبق

استانداردهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای، یک قدرت درجه دوم (قدرت درجه سوم جهانی) شمرده می‌شود، در نتیجه گسترش فعالیت‌های منطقه‌ای جدید و حمایت مالی بی‌پایانش از گروه‌های عقیدتی تند و هابی مانند سلفی‌گری و تکفیری‌گری، می‌کوشد نقش یک قدرت درجه یک منطقه‌ای را در رقابتی خشونت‌بار با ایران شیعی ایفا کند. عربستان سعودی در این نقش جدید، هم‌سو با کنش‌های ژئوپلیتیک خود در چارچوب توطئه هلال شیعی، تلاش می‌کند از راه حمایت از گروه‌های تروریستی اسلامی مانند طالبان و القاعده و داعش که در پاکستان، افغانستان، قفقاز، عراق، سوریه و بخش‌های دیگری از خاورمیانه فعال هستند، نظام حکومتی جدیدی را در خاورمیانه ایجاد کند و با حذف تشیع و براساس الگوی «خلافت اموی» و «خلافت عباسی» آن را جانشین نظام‌های حکومتی کنونی در سوریه (شام) و عراق سازند (مجتهدزاده، ۱۳۹۴).

## ۲. ریشه منازعات در خاور میانه

در مه ۱۹۱۶ سرانجام نتیجه شش ماه مذاکره بریتانیا و فرانسه که با نظارت و تأیید روسیه تزاری نیز همراه بود، مشخص شد و بنا شد از آن پس منطقه موسوم به «هلال خصیب» در خاورمیانه به چند کشور تقسیم شده و هرکدام زیر نفوذ یکی از دو قدرت بریتانیا و فرانسه درآید. در آن روزگار، امپراتوری عثمانی رو به ضعف گذاشته بود و پیش از هر گونه اقدامی ابتدا باید تکلیف مناطق تحت نفوذ عثمانی‌ها روشن می‌شد. به‌این ترتیب منطقه حد فاصل بین مرزهای ایران تا سواحل مدیترانه به کشورهای با مرزهای جدید شامل کویت، عراق، سوریه، لبنان، و فلسطین تقسیم شده و هرکدام تحت نفوذ یکی از دو کشور بریتانیا و فرانسه قرار گرفت. هرچند با فروپاشی روسیه تزاری در سال ۱۹۱۷ و لو رفتن اسناد این توافق‌نامه، اعتراض‌هایی در کشورهای عربی رخ داد، اما سرانجام در کنفرانس سن‌رمو در سال ۱۹۲۰ مفاد این توافق‌نامه مورد تأیید دوباره قرار گرفت تا آخرین تعدیل‌ها در نقشه جدید منطقه در سال ۱۹۲۳ و در قالب معاهده لوزان انجام شود. به‌این ترتیب سوریه و لبنان کنونی تحت نفوذ رسمی فرانسه قرار گرفتند و اردن، فلسطین و کویت زیر سلطه بریتانیا رفته و عراق بین دو طرف تقسیم شد. سایکس و پیکو، نمایندگان

بریتانیا و فرانسه و مهندسان خاورمیانه کنونی، غیر از نقشه‌ای که برای کشورهای تازه تأسیس خاورمیانه کشیدند، برای ساکت کردن شریف حسین، حاکم وقت سرزمین حجاز، هرکدام از فرزندان را به پادشاهی کشوری گماردند. فیصل، پادشاه عراق، عبدالله، پادشاه اردن، علی، حاکم حجاز و زید، کوچک‌ترین فرزند شریف حسین به ولایتعهدی سوریه رسید. تا پس از آن، تنش و آشوبی در خاورمیانه آغاز شود که پس از گذشت یکصد سال، هنوز ادامه دارد (مهتدی، ۱۳۹۴).

### ۳. تأثیرات توافق هسته‌ای بر سیاست داخلی و خارجی ایران

توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ نه تنها به لحاظ اهمیت آن برای امنیت منطقه‌ای و جلوگیری از گسترش رقابت‌های هسته‌ای بسیار قابل توجه است، بلکه به دلیل پیامدهای بالقوه آن در سیاست داخلی و خارجی ایران نیز دارای اهمیت زیادی است. در واقع فراتر از پیچیدگی جنبه‌های فنی توافق هسته‌ای، بعد سیاسی آن است؛ از این نظر که آیا طرفین به تعهدات خود در درازمدت و میان‌مدت عمل خواهند کرد؟ بر این اساس یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های ممکن، به حداقل رساندن هرگونه تمایل در هر دو طرف برای نقض پیمان است. آیا ایران در درازمدت به همکاری و ادغام بیشتر در جامعه بین‌المللی روی خواهد آورد و آیا توافق هسته‌ای می‌تواند باعث تغییر و تحول در سیاست خارجی ایران در راستای ایجاد همکاری و مصالحه بیشتر در منطقه خاورمیانه شود؟ چگونه توافق هسته‌ای می‌تواند باعث تحریک و تغییر در سیاست داخلی و خارجی ایران، و کاهش تنش‌ها و کمک به حل آنها در منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها و پیش‌بینی در مورد آن در حال حاضر مشکل است، زیرا بستگی به تحولات آینده در نظام سیاسی ایران و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. در زیر به عوامل و مؤلفه‌های مختلفی که می‌توانند این فرایند را شکل دهند، اشاره شده است. سه مسئله‌ای که می‌توانند موجب تقویت اثرات توافق هسته‌ای شوند عبارتند از: نخست، اعتدال؛ دوم، ماهیت رقابت سیاسی و پویایی اجتماعی در ایران؛ و سوم، اجرای یک استراتژی از سوی غرب برای تعامل بیشتر با ایران و پذیرفتن نقش آفرینی و جایگاه ایران در مسائل خاورمیانه و حتی بزرگ‌تر از آن، در سطح اقتصاد و سیاست جهانی.

نخست، اعتدال، اصلاح و توسعه سیاسی که می‌تواند در داخل ایران رخ دهد و ظرفیت آن نیز وجود دارد و آن فضای رقابت سیاسی و مشارکت مردم در انتخابات است که یک مورد آن در سال ۱۳۹۲ با انتخاب حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور اتفاق افتاد.

دوم، حل‌وفصل پرونده هسته‌ای توانست درهای بین‌المللی را به‌روی ایران باز کند (Mohseni, 2015: 12). برخلاف سال ۲۰۱۱ که جرج بوش سیاست تهدید و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را در سر داشت و باعث شده بود که محافظه‌کاران از آن به‌عنوان تهدید امنیتی یاد کنند و یک توجیه مهم برای تقویت نهادهای نظامی بود، اکنون با حذف این خطر و تأکید/ویاما بر این مسئله که به‌دنبال تغییر نظام انقلابی ایران نیست، تا حدودی میانه‌روها توان بیشتری در سیاست ایران کسب کردند.

سوم، اختلاط و ادغام بیشتر ایران در جامعه بین‌المللی و نظام جهانی به‌طور بالقوه علاوه بر رونق اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر (تقویت اقتصاد ایران) می‌تواند باعث تقویت جناح میانه‌رو در درون ایران شده و در نتیجه تأثیرات مثبت و نقش سازنده‌ای در امور منطقه خاورمیانه به‌عهده بگیرد.

سناریوی موفق برای سیاست خارجی ایران، یعنی اعتدال می‌تواند از محل تلاقی این سه به‌دست آید، و از آنجاکه این توافق در زمان ریاست‌جمهوری حسن روحانی امضا شده است، برای میانه‌روها نوعی پیروزی محسوب می‌شود و اگر لغو تحریم‌ها بتواند اثرات ملموسی بر زندگی مردم داشته باشد، محبوبیت روحانی دوچندان شده و این امر سبب پیروزی دوباره روحانی در انتخابات سال ۲۰۱۶ خواهد شد. در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای، میانه‌روها می‌توانند در ماهیت سیاست خارجی ایران در عراق، لبنان و سوریه تغییراتی ایجاد کنند و همچنین با تعدیل گرایش‌های ایدئولوژیک در سیاست خارجی به سمت تنش‌زدایی با عربستان حرکت کنند. البته چنین سناریویی خوش‌بینانه بوده و به‌هیچ‌وجه تضمین‌شده نیست. (Center for New American Security, 2015).

از سوی دیگر شش سازوکار وجود دارد که می‌تواند باعث کاهش اثرات توافق هسته‌ای

بر سیاست داخلی و خارجی ایران شود:

الف) اعمال فشار کشورهای غربی بر ایران به‌طور قابل‌توجهی کاهش یابد. به‌دلیل حذف پرونده هسته‌ای، دیگر امکان اجماع گسترده بین‌المللی برای اقدام نظامی و تحریم اقتصادی علیه ایران وجود ندارد؛

ب) اعمال فشار کشورهای غربی بر ایران ممکن است به‌علت نیاز به یک راهبرد همکاری مشترک منطقه‌ای و یا همکاری با ایران در سایر حوزه‌هایی که منافع مشترک دارند، با تعامل بین ایران و کشورهای غربی جایگزین شود، و یا در اثر این تعاملات اهرم فشار به‌تدریج ضعیف شده و جای خود را به همکاری‌های مشترک در حوزه‌های گسترده‌تر و خاص‌تر بدهد؛

ج) حمایت گسترده مردمی از نیروهای نظامی ایران در داخل کشور و نقش مؤثر آنها در برقراری امنیت و ثبات داخلی می‌تواند توجه غربی‌ها را به این جنبه نیز جلب کند و بر دیدگاه آنها در مورد پذیرش حضور ایران برای برقراری ثبات و امنیت در منطقه حساس خاورمیانه اثرگذار باشد؛

د) رشد روابط اقتصادی ایران با کشورهای غیرغربی به‌ویژه چین و روسیه و سایر اقتصادهای نوظهور جهانی؛

ه) ایران براساس تجربه پیشین خود از تحریم‌ها، کاری نخواهد کرد که صدمه‌ای به توافق وارد شود و تلاش خواهد کرد هرگونه آسیب رسیدن به توافق را برای جلوگیری از اعمال تحریم‌های جدید، به حداقل برساند؛ و

و) آشفتگی و هرج‌ومرج بیشتر در خاورمیانه به‌ویژه در اطراف مرزهای ایران به‌علت ترس از ناامنی به انسجام بیشتر در داخل کشور خواهد انجامید (Alcaro, 2015) که این امر در مقایسه با کشورهای بی‌ثبات خاورمیانه امتیازی بزرگ محسوب می‌شود؛ از سوی دیگر، اگر تندروها مانع انجام اصلاحات داخلی مدنظر دولت شوند و یا اگر ایران تصمیم به فعال‌تر شدن و تهاجمی‌تر کردن سیاست‌های خود در منطقه علیه ایالات متحده و متحدانش بگیرد. علاوه بر این، با وجود باز شدن راه‌ها برای ارتباط با اقتصادهای غربی، ممکن است مخالفت این گروه، خطر سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذار خارجی بالا ببرد و یا اینکه این گروه از طریق مجاری قانونی، قانونی را تصویب کنند که مانع انجام طرح‌های



سرمایه‌گذاری در ایران شوند، تا از ایجاد شرایطی که از دیدگاه و به‌تصور آنها منجر به ادغام ایران در مدار ساختارهای اقتصادی و سیاسی با ایالات متحده و یا اقتصاد جهانی می‌شود، جلوگیری کنند. آنها ممکن است به‌راحتی قادر باشند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را با مشکل روبه‌رو کنند و مانع سرمایه‌گذاری‌های کلان توسط این بخش شوند و یا اینکه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی را فقط به شرکت‌های وابسته به خودشان منحصر سازند (International Crisis Group, 2015).

در نتیجه این اقدامات، مخالفان برجام می‌توانند از طریق تبلیغ شکست اقتصادی دولت در داخل و ایجاد نارضایتی عمومی و از سوی دیگر، با انتقاد از سیاست خارجی دولت و نرمش در مقابل امریکا که خواهان تضعیف ارزش‌های انقلاب است، باعث شکست سیاست‌های داخلی و خارجی دولت میانه‌رو شوند. در حال حاضر با توجه به اینکه ایران قدرت خود را در سوریه با کمک به ابقای بشار/اسد در قدرت، و نیز با برقراری رابطه نزدیک با حزب‌الله لبنان و حوثی‌ها در یمن و جلوگیری از نفوذ داعش در عراق، به‌اثبات رسانده، توافق هسته‌ای فعلی بیشتر می‌تواند باعث تقویت مخالفان برجام شود، زیرا امریکا در حال حاضر به همکاری آنها در حل بحران‌های منطقه‌ای نیاز دارد. اگرچه به‌طور دقیق معلوم نیست کدام‌یک از سناریوهای گفته‌شده تحقق پیدا خواهد کرد، اما بستگی به چشم‌انداز تغییر و تحولات آینده قدرت در ایران دارد (The Iran Project, 2015).

#### ۴. بلوک عربستان

از دیدگاه گروهی که سردمدار آن عربستان سعودی است، توافق هسته‌ای، موقعیت جمهوری اسلامی ایران را تثبیت کرده و به آن در سطح بین‌المللی مشروعیت می‌بخشد. از نظر پادشاهی سعودی، این موافقت‌نامه تنها به رسمیت شناختن مشروعیت برنامه هسته‌ای ایران نیست، بلکه همچنین به ایران اجازه می‌دهد که نفوذ سیاسی، اقتصادی، و نظامی خود را از طریق نمایندگان خود، مانند حزب‌الله لبنان، به سایر مناطق در صفحه شطرنج خاورمیانه گسترش دهد. از دیدگاه کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، توافق هسته‌ای باید به‌طور کامل برنامه هسته‌ای ایران را برچیند و همیشه سلاح تحریم

علیه ایران را حفظ کند. علاوه بر این، توافق نامه باید گسترده تر شده و به طور مشخص، سیاست منطقه‌ای و تنش‌هایی مانند درگیری در سوریه، عراق، حزب‌الله و حمایت ایران از گروه‌های مخالف سعودی در یمن و بحرین را هم مدنظر قرار دهد. البته در این بلوک، قطر و کویت موضع‌گیری ملایم‌تری داشته و در خط میانه توافق ایستاده‌اند. این دو کشور لحن ملایم‌تر و متفاوت‌تری در مقایسه با عربستان در قبال توافق هسته‌ای ایران دارند. این امر شاید ناشی از اعمال فشار امریکا بر آنان برای حمایت از توافق بوده و آنها همین موضوع را بهانه‌ای برای دور شدن از مواضع (Kalout, 2015) بسیار تندروانه عربستان قرار دادند.

### ۵. بلوک طرفدار ایران

در مقابل بلوک طرفدار عربستان، کشورهای طرفدار ایران قرار دارند. به‌باور این گروه، توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ تأثیرات مثبت مهمی بر آرمان‌ها و قدرت سیاسی آنها در منطقه دارد. آنها بر این باورند که خارج شدن ایران از دایره تحریم‌های بین‌المللی، وجهه و قدرت آنها را در محیط داخلی و منطقه‌ای با چشم‌انداز بزرگ‌تر جغرافیایی افزایش خواهد داد. از نظر آنها یکی از اصول این توافق، دستیابی ایران به حفظ حقوق و توانایی هسته‌ای خود به‌عنوان یک عضو از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بود؛ بنابراین، ایران توانایی کنترل و توسعه فعالیت‌های هسته‌ای خود را پس از پایان مدت‌زمان توافق خواهد داشت. دقیقاً این درک از افزایش قدرت ایران در بلوک طرفدار این کشور، باعث نگرانی کشورهای طرفدار عربستان، رژیم صهیونیستی و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس شده است. نکته اساسی از دیدگاه این بلوک این است که قدرت‌های غربی هیچ چاره‌ای جز توافق با ایران در قالب یک گفتگوی مسالمت‌آمیز به‌جای تحمیل اراده خود با استفاده از زور و تهدید علیه ایران نداشتند. از نظر این گروه، اعتراض عربستان سعودی به اصل توافق هسته‌ای بوده و به مسائل فنی و تکنیکی محدود نیست و هدف عربستان، نگهداشتن ایران به‌عنوان یک دولت منزوی در عرصه بین‌المللی برای جلوگیری از افزایش قدرت منطقه‌ای این کشور و به‌رسمیت شناخته شدن این وضعیت در نظام بین‌الملل است (Zweiri, 2015).

## ۶. کشورهای با مواضع عمل‌گرایانه در مذاکرات هسته‌ای

در میان کشورهای عربی، نوعی تضاد در قبال توافق هسته‌ای وجود دارد. کشورهای خاورمیانه‌ای شمال آفریقا مانند مصر و الجزایر بر این باورند که عربستان سعودی و متحدانش مرتکب اشتباه‌های تاکتیکی شده‌اند و با تحمیل یک مقیاس غیرواقعی و غیرممکن از خواسته‌های خود بر قدرت‌های غربی، تأثیری منفی بر تعادل دیپلماتیک در مذاکرات داشتند. از نظر کشورهای شمال آفریقا از جمله مصر، الجزایر، تونس، و لیبی، چارچوب توافق به‌رغم گستردگی و پیچیدگی آن به‌خوبی طراحی شده است. نکته قابل توجه در این میان این است که به‌احتمال زیاد مصر به‌عنوان برنده غیرمنتظره توافق هسته‌ای ایران با غرب ظهور خواهد کرد؛ زیرا می‌تواند به‌طور بالقوه توازن قدرت در منطقه خاورمیانه را تغییر دهد. مصر با وجود حفظ رابطه نزدیک خود با عربستان سعودی، دیدگاه متفاوتی با عربستان دارد. این نگرش عربستان که ایران را به‌عنوان یک تهدید جدی و واقعی منطقه‌ای می‌داند، برای مصر قابل‌درک نیست، و در این زمینه حتی دیدگاهی متضاد با عربستان دارد. سیاسی، رئیس‌جمهور مصر اعتقاد دارد ایران و سوریه، در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، بازیگران اصلی متعهد و مصمم به جنگ با داعش هستند و از آنجاکه دولتمردان مصر، داعش را تهدیدی جدی علیه خود می‌دانند، گفتمان‌شان در مورد سوریه به‌تدریج تغییر کرده و به نقطه‌ای رسید که از حل بحران سیاسی در سوریه و ماندن رژیم قانونی سوریه در قدرت حمایت کردند. اگرچه قاهره از زمان به‌قدرت رسیدن سیسی روابط نزدیکی با ریاض دارد، ولی مصر به‌طور کامل به‌لحاظ دیپلماتیک به اردوگاه عربستان وابسته نیست. علاوه‌بر همکاری‌های دوجانبه و همچنین منافع مشترک منطقه‌ای، در برخی از مناطق خاص، برای مثال در مورد اخوان المسلمین و مسائل مربوط به حماس، مصری‌ها نشان دادند که بسیار عمل‌گرا هستند و قاهره این عمل‌گرایی را با وجود همکاری با ریاض، در برخی از امور انتخابی، بدون از دست دادن استقلال خود حفظ کرده است. مصر همیشه خود را به‌عنوان رهبر جهان عرب مطرح کرده و الگوی اقتصادی و فرهنگی بوده است. در دوران مرسی، مبارک، سادات و ناصر، سیاست خارجی مستقل خود را داشته و از تمام کشورهای عربی مستقل بوده است. علاوه‌بر این، از دیدگاه تطبیقی، قاهره و ریاض دیدگاه‌های سیاسی مختلف و متفاوتی در قبال مسائل لبنان، سوریه، عراق و همچنین صلح و ثبات برای این

منطقه دارند، در مقابل، با اینکه یمن بازیگر حیاتی و حساسی در بازی ژئوپلیتیک کلان در خاورمیانه نیست، قاهره حمایت کامل خود را از مداخله نظامی عربستان در این کشور اعلام، و از ابتکار عربستان و نیروهای ائتلاف عربی دفاع کرده است (walid, 2015).

### ۷. پسابرجام و امنیت منطقه خلیج فارس

این بحث در اغلب کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی مطرح است که ایران به دنبال کسب هژمونی در منطقه است؛ هژمونی‌ای که ایران از گذشته به‌ویژه از زمان امپراتوری ساسانی و پیش از فتح ایران توسط اعراب مسلمان داشته است. شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس دلارهای زیادی برای خرید تسلیحات خرج کردند؛ به‌گونه‌ای که بودجه دفاعی عربستان سعودی به‌تنهایی پنج برابر بودجه دفاعی ایران بوده و اگر فاصله زمانی بیشتری در نظر گرفته شود به‌عنوان مثال از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴- این اختلاف بیشتر هم می‌شود. ایران ۴/۲ میلیارد دلار هزینه و یا سفارش نظامی داشته، درحالی‌که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بیش از ۱۰۶ میلیارد دلار خرج تسلیحات نظامی کرده‌اند. این موضوع فقط مربوط به کمیت است، و از نظر کیفیت تفاوت بسیار زیادتری وجود دارد. درحالی‌که ایران سرگرم فناوری پیشرفته انرژی هسته‌ای بود، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، با صرف هزینه‌های فراوان، سیستم‌های پیشرفته‌ای از انواع تسلیحات از کشورهای غربی (Cordesman, 2015). دریافت کردند. این مسئله در مورد رژیم صهیونیستی نیز صادق بوده و بودجه نظامی این رژیم هم بسیار بیشتر از ایران است. طبق آمار موجود در سال ۲۰۱۳ رژیم صهیونیستی ۱۸/۷ میلیارد دلار در حوزه دفاعی هزینه کرده حال آنکه ایران در همان سال ۱۴/۸ میلیارد دلار صرف کرده است (هزینه‌های دفاعی رژیم صهیونیستی به بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است). علاوه بر این، باید کمک اضافی سه میلیارد دلاری سالانه آمریکا را هم به آن اضافه کرد؛ کمک‌هایی شامل فناوری‌های مدرن ساخت سلاح‌ها و سیستم‌های پیشرفته تسلیحاتی که نسبت به آنچه اعراب از آمریکا دریافت می‌کنند، در سطح پیشرفته‌تری هستند (IISS2015: 326-324).

علاوه بر موارد یادشده، ایالات متحده که دارای پایگاه‌ها و ناوهای جنگی در منطقه خلیج فارس می‌باشد نیز متعهد به تأمین امنیت متحدان خود در منطقه و حفاظت از آنان در برابر ایران است. لذا این مسئله که ایران حتی با خرج منابع اضافی و خرید تسلیحاتی مانند سامانه موشکی اس ۳۰۰ از روسیه می‌تواند تهدیدی جدی برای این کشورها باشد و یک هژمونی منطقه‌ای قوی بسازد، بیشتر یک شوخی مضحک است که برای این کشورها بیشتر مصرف داخلی داشته و در راستای تبلیغات رسانه‌ای برای فریب افکار عمومی در سطح بین‌المللی کاربرد دارد. اما ایران در تلاش برای گسترش نفوذ خود در مناطق و جوامع شیعه‌نشین مانند لبنان، بحرین و یمن است که باعث نگرانی رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس شده که مدعی‌اند ایران از طریق آنها می‌تواند این کشورها را تحت فشار قرار داده و امنیت آنها را به خطر اندازد. واقعیت این است که جوامع شیعه، خود حاضر و مشتاق پذیرش کمک‌های ایران هستند؛ چون در جوامع خود و در قیاس با سایر شهروندان سنی مذهب کشورشان، احساس امنیت، موقعیت اجتماعی برابر و فرصت‌های مناسب اقتصادی و سیاسی ندارند (Rubin, 2015).

کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی و متحد آنها، امریکا در راستای تعامل با ایران و دستیابی به موفقیت، باید گزینه‌های رفتن به سمت جنگ، رقابت و ادعاهای نابجا را کنار بگذارند. درحالی‌که کشورهای عربی ادعا می‌کنند ایران به دنبال تهاجم در سوریه، عراق و جاهای دیگر است، ایران این ادعا را رد کرده و می‌گوید که در حال دفاع از امنیت خود است و هدف از حضور در عراق نیز ایجاد بازدارندگی در مقابل تروریسم است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا از جمله انگلیس و فرانسه که در حوزه عربی خلیج فارس اشتراک مواضع گسترده و حضور نظامی دارند، باید همراه با امریکا و در قالب یک ائتلاف حمایتی گسترده با هدف ایجاد یک ساختار صلح فراگیر در منطقه خلیج فارس که زمینه‌های امنیت پایدار را فراهم می‌کند، در راستای ایجاد تعامل بین ایران و عربستان تلاش کنند. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند این همکاری را از سطوح پایین‌تر مانند حفاظت از محیط زیست، مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و مشارکت در پروژه‌های اقتصادی شروع کرده و سپس زمینه را برای توافق و همکاری گسترده‌تر فراهم کنند. ایران و عربستان باید با

رسیدن به درکی متقابل، اختلاف‌های خود را در آب‌های خلیج فارس به صورت مسالمت‌آمیز حل کرده و ضمن وسعت‌بخشیدن به درک و نگرش خود در مورد حل مسائل اقلیت‌های مذهبی و قومی در ورای مرزهای ملی، برای ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خلیج فارس تلاش کنند. امریکا و کشورهای اروپایی نیز باید از این طرح حمایت کرده و در حالت ایده‌آل، همکاری شورای امنیت را هم پشتوانه آن سازند. اگرچه این چشم‌انداز در حال حاضر بسیار دور به نظر می‌رسد، اما هیچ راه‌حل دیگری برای ایجاد امنیت درازمدت در این منطقه وجود ندارد. ایالات متحده و کشورهای قدرتمند دیگر باید کشورهای منطقه را متقاعد کنند که بر ذهنیت منفی که از یکدیگر دارند، غلبه کرده و بدانند ادامه آن فقط بازی با حاصل جمع صفر است و هیچ برنده‌ای نخواهد داشت (Koch & Hanelt, 2015).

#### ۸. پسابرجام و اهمیت تعامل غرب با ایران در عراق و سوریه

منطق استراتژیک برای شروع نوعی تعامل راهبردی موفق با ایران را ابتدا باید از قضاوتی منصفانه و بی‌طرف و بدون غرض از حضور آشکار ایران در خاورمیانه و خلیج فارس برآورد کرد. سه چالش اساسی که در حال حاضر این منطقه را احاطه کرده است عبارتند از: فروپاشی دولت‌های مقتدر کشورهای منطقه و تجزیه آنها به مناطق تحت کنترل گروه‌های قومی و مذهبی به‌ویژه در عراق و سوریه؛ گسترش گروه‌های تروریستی مانند شاخه‌های القاعده محلی و داعش؛ و رقابت‌های بین منطقه‌ای و همچنین خارج منطقه‌ای بازیگران در عراق و سوریه، که باید در برابر همه این موارد واکنش سیاسی مناسبی نشان داده شود. یکی از راه‌ها، تعامل بهتر با گروه‌های متخاصم محلی و به‌حاشیه راندن گروه‌های تروریستی و افراطی در این مناطق، از طریق اتخاذ سیاستی فراگیر است که شامل اکثریت آنها شود. انجام چنین کاری همکاری عملی بین بازیگران خارجی، اعم از منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای را می‌طلبد که با تعامل و تعهد آنها به پشتیبانی از آن، یک سیستم حکومتی منطقه‌ای تضمین‌شده ایجاد شود. درست در همین جا است که نیاز به تعامل با ایران پدیدار می‌شود. از نظر برخی از کشورهای غربی، ایران ممکن است بخشی از مشکل در این بازی منطقه‌ای باشد، اما درعین حال مشکلی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و مهم‌تر اینکه جمهوری اسلامی ایران برخلاف سایر رژیم‌های

منطقه از پشتوانه قوی مردمی در داخل برخوردار است و این خود از مؤلفه‌های مهم مورد توجه کشورهای غربی در تعامل با ایران است (Alcaro & Baseri, 2014: 14-20).

### ۹. نقش برجام در حل بحران‌های منطقه

برجام در بلندمدت پیامدهای مهمی دارد. نخست اینکه موجب کمک به حل بحران‌های منطقه‌ای می‌شود. به‌عنوان مثال، اکنون که سیاست به‌اصطلاح «تغییر رژیم» امریکا علیه ایران به‌اجبار کنار گذاشته شده، تا حدودی احساس تهدید استراتژیک از سوی امریکا هم کم شده است. این خود سبب می‌شود ایران سیاست‌های تعاملی را در چارچوب افزایش روابط منطقه‌ای با تکیه بر رویکردهای مستقل و دوجانبه با کشورهایی چون ترکیه و عربستان درپیش بگیرد؛ یعنی ایران در مرکز تحولات منطقه‌ای قرار گرفته است. هم‌زمان، طرف غربی هم به‌طور آگاهانه به‌منظور تأمین منافع سیاسی – امنیتی و اقتصادی خود از سیاست‌هایی که ایران را منبع اصلی تهدید در منطقه در نظر می‌گیرند، دور می‌شود. پیامد دوم برجام این است که در این معادله، همچنین فضای سیاسی تازه و مثبتی در غرب ایجاد شده که به‌طور عمده به بازیگران رقیب ایران مثل عربستان و ترکیه فشار وارد می‌کند که با تهران در راستای حل بحران‌های منطقه‌ای تعامل کنند. به‌عنوان مثال در تنش اخیر قطع روابط ایران و عربستان، برای نخستین‌بار امریکا و کشورهای اروپایی، برخلاف گذشته که از عربستان حمایت می‌کردند، سعی کردند از طریق میانجیگری دو طرف را تشویق به حل تنش به‌وجودآمده کنند، که این امر، نتیجه ایجاد تعهد متقابل در برجام و فرهنگ مثبت و تعاملی به‌وجودآمده در شرایط پسابرجام است (برزگر، ۱۳۹۴).

### ۱۰. ژئوپلیتیک پسابرجام

اجرای شدن برجام در پرتو روابط متعادل با قدرت‌های جهانی، ظرفیت ژئوپلیتیک جدیدی به سیاست خارجی ایران می‌دهد که می‌تواند در خدمت توسعه اقتصادی کشور و ثبات منطقه‌ای قرار گیرد. منطق رویکرد ژئوپلیتیک بیشتر بر پایه ضرورت تثبیت موقعیت و نقش ایران در معادلات سیاسی-امنیتی منطقه و جهان قرار دارد. بر این مبنای استراتژی امنیت

ملی ایران به‌ویژه در حوزه‌هایی که ارتباط مستقیمی با مفهوم تهدید دارد، در اولویت سیاست خارجی است. از این نظر برجام با ایجاد یک ظرفیت جدید، نقش ایران را در معادلات ژئوپلیتیک خاورمیانه افزایش داده و لذا باید از فرصت به‌وجودآمده در راستای رفع معضلات و تهدیدهای استراتژیک با غرب و به‌ویژه امریکا نهایت استفاده را کرد (برزگر، ۱۳۹۴).

### ۱۱. ایران پس‌برجام و سایر کشورهای درگیر در بحران خاورمیانه

همه چیز حاکی از این است که باوجود فشارهای روزافزونی که حکومت ایران از خارج با آن روبه‌رو است، دست از حمایت خود از نظام بشار اسد برنداشته و چتر دفاعی خود را بر سر سوریه نگه خواهد داشت. گمان می‌رود که سیاست ایران در قبال سوریه فعلاً دچار سردرگمی است. اما هرچه هست، نباید فراموش کرد که حزب‌الله لبنان، هم‌پیمان اصلی ایران در منطقه و چه‌بسا جهان است و بازوی افتخارآفرین تهران در منطقه به حساب می‌آید، پس حتی اگر ایران مجبور شود پشت نظام اسد را خالی کند، هرگز نمی‌تواند این حرکت را بدون برنامه‌ریزی برای ادامه حمایت از حزب‌الله انجام دهد (Chatham House, 2015).

عراق جدید شامل سه قسمت شیعه‌نشین در جنوب، مرکز و بغداد، قلمرو تحرک‌های داعش و اهل سنت در غرب و منطقه کردنشین در شمال است. مرزهای بین این سه قسمت ممکن است دچار تغییراتی جزئی شود اما هیچ‌کدام توانایی شکست و حذف دیگری را به‌طور کامل نخواهد داشت.

تحولات به‌وجودآمده در عراق جدید و تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک و رویکردهای بازیگران خاورمیانه‌ای شده و حضور داعش، بازیگران فرامنطقه‌ای مانند امریکا و بازیگران منطقه‌ای دیگر در آمایش و روند تحولات عراق نوین، باعث اتخاذ استراتژی‌های سیاسی-امنیتی ویژه ایران در قبال این واقعیت‌ها شده است. حضور شیعیان در رأس هرم سیاسی عراق، عنصر کردی، مسائل مرزی، منافع بازیگران منطقه‌ای و... از جمله دغدغه‌هایی است که رویکردهای استراتژیک ایران در عراق را توجیه می‌کند (Nader, 2015).

ترکیه تلاش می‌کند میدان‌دار سیاست در عراق و سوریه باشد، اما تاکنون در این کار موفق نبوده است. کنترل کردهای منطقه یکی از اولویت‌های اصلی ترکیه است. کردها



دشمن ترکیه محسوب می‌شوند و لذا این کشور می‌خواهد از تشکیل کردستان بزرگ جلوگیری کند (محبوبی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، ترکیه با حمایت از اخوان المسلمین در مصر مرتکب قمار می‌شود که به شکست انجامید. اخوان در مصر تارومار شدند و دست ترکیه خالی ماند و اسد نیز با وجود فشارهای بی‌امان ترکیه در سه سال گذشته، نه تنها باقی مانده، که قدرت بیشتری نیز گرفته و حتی طرف مذاکره غیررسمی غرب قرار گرفته است. آنکارا قصد داشت امپراتوری عثمانی را از طریق سرمایه‌گذاری در بهار عربی بار دیگر احیا کند، ولی گام به گام مشخص شد که این سیاست اشتباه است و در تقابل با دیگر کشورهای منطقه قرار گرفت (Bar, 2015).

رژیم صهیونیستی به دنبال تشکیل یک دولت غیرعرب کردی متحد در منطقه است. این رژیم از تمام کشورهای خاورمیانه منافع بیشتری را در خاورمیانه جدید جستجو می‌کند. تجزیه عراق و سوریه و تبدیل آنها به واحدهای سیاسی کوچک‌تر از یک سو باعث نفوذ بیشتر رژیم صهیونیستی در منطقه و احساس امنیت بیشتر آن می‌شود، و از سوی دیگر، این رژیم می‌کوشد با حمایت از رشد فعالیت‌های استقلال طلبانه در میان کردها، از آنها برای اعمال فشار بر ایران، سوریه، عراق و ترکیه استفاده کند. به نظر می‌رسد تشکیل یک حکومت کردی متحد، از جمله راهبردهای درازمدت رژیم صهیونیستی در فضای امنیتی عراق و سوریه است (Rabinovich, 2015).

وابستگی کشورهای حوزه خلیج فارس به نیروهای امریکایی برای مقابله با بی‌ثباتی در منطقه روزافزون است، اما تولید فراوان نفت در داخل امریکا مشوق چشمگیری بود که واشنگتن به فراتر از خاورمیانه و منطقه آسیا و اقیانوس آرام نگاه کند. آنچه کشورهای حوزه خلیج فارس را بیشتر نگران می‌کند، هم‌زمانی این تحولات با گرم شدن روابط ایران و امریکا و خستگی فراگیر از مداخلات امریکا در خاورمیانه است. بعید است امریکا با توجه به اهمیت تنگه هرمز برای اقتصاد جهانی، تهدید فزاینده ناشی از اقدامات گروه‌های تروریستی در منطقه، و اهمیت ژئوپلیتیک پایگاه‌های نظامی امریکا در قطر، بحرین، کویت، و متحدانش در منطقه را فراموش کند. ولی با کاهش وابستگی امریکا به منابع انرژی خارجی، واشنگتن تمایل کمتری به تحمل تمام بار حفظ امنیت و ثبات شبه‌جزیره عرب داشته و حاضر خواهد بود به نیابت از

عربستان در کشورهایی چون سوریه و یمن دست به اقدام نظامی بزند. به عبارت دیگر، هزینه جانی و مالی تأمین امنیت جریان انرژی به مقصد ژاپن، کره جنوبی و چین برای امریکا پرسش برانگیز شده است. ایالات متحده احتمالاً کشورهای منطقه را برای تأمین این هزینه‌ها زیر فشار گذاشته و با کاهش حضور نظامی خود، رهبران منطقه را به ساخت نیروی نظامی مستقل ترغیب خواهد کرد (Francois Sez nec and Sam, 2016).

افق پیش‌روی خاورمیانه پس از توافق هسته‌ای این است که براساس شواهد موجود، آینده روابط ایران و عربستان، صرف‌نظر از اختلاف‌های مذهبی و قومیتی به متغیر مهم‌تری به نام امریکا گره خورده است. درحقیقت در سایه قطع رابطه ایران با امریکا، مقامات سعودی، برای تقویت جایگاه خود در سیاست‌های منطقه‌ای کاخ سفید بسیار تلاش کرده‌اند. اما اکنون و پس از توافق هسته‌ای، اوضاع برای عربستان تغییر کرده است و عربستان دیگر جایگاه پیشین خود را در سیاست خارجی امریکا ندارد. از سوی دیگر، دو حادثه به‌طور هم‌زمان در عربستان امروز اتفاق افتاده است. نخست اینکه نوعی کودتای نرم است که قدرت را از دست سالخوردگان خاندان سلطنتی و وابستگان درون‌خاندانی و برون‌خاندانی آنها خارج کرده و در دست طبقه جدیدی قرار داده است. دوم اینکه پس از آغاز تحولات در جهان عرب و بحرانی شدن اوضاع در کشورهای بانفوذ عربی مانند مصر، عربستان به مرکز ثقل جهان عرب تبدیل شد. اکنون بسیاری از شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، پشت سر این کشور قرار دارند. واقعیت این است که ادامه سیاست کنترل‌نشده موجود، نظم بسیار سست و شکننده منطقه را به هم خواهد ریخت و حتی تک‌تک کشورها را با شکنندگی‌های مختلف داخلی روبه‌رو خواهد کرد. قطع رابطه به‌تنهایی مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند، اما با توجه به قطب بودن ایران و عربستان، مسئله این است که نوعی آرام‌سازی انجام شود که در غیراین‌صورت پیامدهای آن پیش‌بینی‌ناپذیر و به‌احتمال فراوان، غیرقابل کنترل خواهد بود (مسجدجامعی، ۱۳۹۴).

## نتیجه‌گیری

تردیدی نیست که اوضاع کنونی منطقه نمی‌تواند مدتی طولانی ادامه داشته باشد. با توجه به توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ که زمینه‌های همکاری بیشتر ایران با دیگر کشورهای جهان را فراهم کرده و از سوی دیگر، تلاش جهانی برای از بین بردن خطر داعش، به‌نظر می‌رسد خاورمیانه از میان خون و آتش برای تغییرات جدی آماده می‌شود. پس از مدت‌ها کشورهای غربی به‌ویژه اوپاما نیز از نقش زمامداران عربستان سعودی در تحولات منطقه انتقاد کرده و خواستار آن شدند که عربستان سهم ایران از خاورمیانه را به رسمیت بشناسد. حال که ایران از زیر فشارهای جهانی بر سر برنامه اتمی خود خارج شده، امکانات بیشتری برای تبدیل شدن به یک بازیگر جدی در منطقه به‌دست آورده است. حقیقت این است که کیفیت و وضعیت عوامل قدرت و امنیت منطقه خاورمیانه به‌طور کامل متحول و دگرگون شده است. هیچ‌کدام از عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر در منطقه، وضعیت چند دهه گذشته را ندارند. منافع و تهدیدات به‌طور بی‌سابقه‌ای درهم‌تنیده شده‌اند. مرزهای تنش و تخاصم به‌شدت گسترده‌تر از پیش شده و معادلات قدرت و امنیت به‌طور اساسی پیچیده‌تر شده است. در نتیجه با توجه به اوضاع فوق‌بحرانی منطقه و حل آبرومندانانه بحران هسته‌ای و ظرفیت و جایگاهی که ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی به‌دست آورده، یک فرصت تاریخی منطقه‌ای و بین‌المللی به‌وجود آمده که بهره‌برداری از آن، نیازمند یک استراتژی جدید و متناسب با معادلات جدید قدرت در منطقه و جهان است.

تاکنون بخش زیادی از توان دیپلماسی کشور بر مسئله هسته‌ای متمرکز شده بود که با دستیابی به توافق نهایی، ایران از این مسئله رهایی یافته و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌تری در معادلات سیاسی بین‌المللی به‌ویژه در بحران‌های منطقه‌ای ایفا کند. به‌طور کلی می‌توان گفت، با دستیابی به توافق هسته‌ای، فضای بازتری برای مانور سیاسی ایران در منطقه خاورمیانه فراهم شده است. امید می‌رود که با کاهش اهمیت استراتژیک خاورمیانه برای امریکا، عربستان و ایران از رفتار تنش‌آمیز کنونی خود دست کشیده و دریابند که باید بر منافع و دشمنان مشترک تمرکز کنند. هر دو این کشورها می‌توانند و باید مشکلات خود را

بدون مداخله امریکا حل کنند. هر چقدر هم که زدن پل ارتباطی میان ایران و عربستان دشوار باشد، اما از جنگ‌هایی با پیامدهای ناشناخته در دو سوی خلیج فارس کم‌هزینه‌تر خواهد بود.



## منابع

### الف) فارسی

- برزگر، کیهان (۱۳۹۴)، «برجام و اثر آن بر سیاست منطقه‌ای ایران»، در:  
<http://www.mazyar94.com/news/mazyar-news/69>
- مجته‌زاده، پیروز (۱۳۹۴)، «ژئوپلیتیک ایرانی-عربی در خلیج فارس و خاورمیانه»، *سخنرانی در سومین کنفرانس بین‌المللی اقیانوس‌شناسی خلیج فارس، خلیج فارس و توسعه پایدار، تهران: هشتم و نهم اسفند*.
- مسجدجامی، محمد (۱۳۹۴)، «ایران و عربستان؛ به کجا می‌رویم؟»، در:  
<http://www.khabaronline.ir/detail/496712>
- محبوبی، قربانعلی (۱۳۹۴)، «اهداف راهبردی ترکیه در عراق»، در:  
<http://www.iiwfs.com/index.php/islam-world/islam-world-interviews/25-turkey-strategic-goals-in-iraq>
- مهدی، علی (۱۳۹۴)، «خاورمیانه از سایکس و پیکو تا رالف پیترز»، در:  
<http://tehranreview.net/articles/1382>

### ب) انگلیسی

- Alcaro, Riccardo (2015), "The West and the Middle East After the Iran Nuclear Deal", *Istituto Affari Internazionali*, Vol.15, No. 21, p. 25.
- Belfer Centre for Science and International Affairs** (2015), "The Iran Project", Cambridge, MA 02138, available at:  
<http://www.belfercenter.or/theiranproject>.
- Bar, Shmul (2015), "Iran and the Middle East after the Nuclear Agreement", available at:  
[www.friendsofisraelinitiative.org/uploads/papers/pdf/FOI\\_Paper32](http://www.friendsofisraelinitiative.org/uploads/papers/pdf/FOI_Paper32).
- Center for New American Security, (2015), "Implications of a Nuclear Agreement With Iran", **Prepared Statement of Iran Goldenberg**, available at:  
[www.cnas.org](http://www.cnas.org).
- Cordesman, Anthony (2015), "The Iran Nuclear Agreement and Conventional Arms Transfers in the Gulf", in **CSIS Commentaries**, available at:  
<https://shar.es/1tHfn5>.
- CHATHAM HOUSE (2015), "Iran Nuclear Deal: Risks and Opportunities", **the Royal Institute of International Affairs**, available at:  
[https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field\\_document/FINAL%20Iran%20Nuclear%20Deal%20summary](https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field_document/FINAL%20Iran%20Nuclear%20Deal%20summary).
- Hanelt, Christian P. and Koch, Christian (2015), "A Gulf CSC Could Bring Peace and Greater Security to the Middle East", in *Bertelsmann Spotlight*

*Europe*, No. 2015/02 (July 2015), available at: [https://www.bertelsmann-stiftung.de/fileadmin/files/user\\_upload/spotlight\\_02\\_2015\\_ENG.pdf](https://www.bertelsmann-stiftung.de/fileadmin/files/user_upload/spotlight_02_2015_ENG.pdf).

Coates Ulrichsen, Kristian (2015), "why Iran Matters: Geopolitics in the Middle East", available at: <https://www.world-affairs.org/why-iran-matters-geopolitics-in-the-middle-east-9-22-15/>.

François Seznec, Jean and Mosis, Samer (2016), "What Will It Take to Push Iran and Saudi Arabia to Talk?", **Lobe Log Foreign Policy**, available at: <https://lobelog.com/what-will-it-take-to-push-iran-and-saudi-arabia-to-talk/>.

**International Crisis Group** (2015), "Iran after the Nuclear Deal", available at: [www.crisisgroup.org/~/media/ICG/~/MiddleEast/NorthAfrica/Iran%20after%20the%20Nuclear%20Deal.pdf](http://www.crisisgroup.org/~/media/ICG/~/MiddleEast/NorthAfrica/Iran%20after%20the%20Nuclear%20Deal.pdf).

International Institute for Strategic Studies (IISS) (2015), **Military Balance**, Abingdon, Rutledge for The IISS, 2015, p. 326-334.

Kalout, Hussein (2014), "The Geopolitics of the Arab World and the Comprehensive Nuclear Agreement", available at: <http://belfercenter.ksg.harvard.edu/files/Impact%20on%20Arab%20World%20-%20Web.pdf>.

Rubin, Michael (2014), "Has Iran Overplayed Its Hand in Iraq?", available at: [http://www.aei.org/wp-content/uploads/2014/07/-shiites-of-the-middle-east\\_135242134698.pdf](http://www.aei.org/wp-content/uploads/2014/07/-shiites-of-the-middle-east_135242134698.pdf).

Mohsani, Payam (2015), **Views from the Arab World and Iranian Politics Post- Nuclear Deal**, Harvard Kennedy School, Cambridge.

Nader, Alireza (2015), "Iran's Role in Iraq", available at: <http://www.rand.org/pubs/perspectives/PE151.html>.

Alcaro, Ricardo and Bassiri Tabrizi, Aniseh (2014), "Europe and Iran's Nuclear Issue. The Labours and Sorrows of a Supporting Actor", *The International Spectator*, Vol. 49, No. 3, p. 14-20.

Rabinovich, Itamar (2015), "Israel and the Changing Middle East", available at: <http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2015/01/29-israel-middle-east-rabinovich/israel-rabinovich-01292015.pdf>.

Hazbun, Walid (2015), **Iran and the Arab World middle east after the Nuclear Deal**, Harvard Kennedy School, available at: <http://belfercenter.org/theiranproject>.

Zweiri, Mahjoob (2015), **Iran and the Arab World after the Nuclear Deal Rivalry and Engagement in a New Era**, Qatar University, available at: August 2015 [www.qu.edu.qa/arts\\_sciences/humanities](http://www.qu.edu.qa/arts_sciences/humanities).